

فصلنامه علمی - تخصصی  
مطالعات قرآنی نامه جامعه  
سال هفدهم - شماره ۱۳۲  
زمستان ۱۳۹۸

## بررسی آیات فضایل اهل بیت علیهم السلام در تفسیر ابن کثیر

فاطمه طهماسبی<sup>۱</sup>

### چکیده

آیات فضایل اهل بیت علیهم السلام آیه‌ای هستند که به صورت غیرمستقیم بر اصل شأنیت خلافت و امامت ایشان بر دیگران دلالت دارند، لذا مفسران اهل سنت، در طول تاریخ اسلام، موضع‌گیری‌های مختلفی در برابر آن داشته‌اند. در پژوهش حاضر، به روش تحلیلی- کتابخانه‌ای سعی شده تا این آیات در تفسیر ابن کثیر دمشقی مفسر و تاریخ‌نگار قرن هشتم که در اعتقاد، پیرو ابن تیمیه و در تاریخ و تفسیر، دنباله‌رو طبری و مورد توجه اهل سنت است، بررسی و با سایر تفاسیر متقدم اهل سنت به ویژه طبری، مقایسه و چگونگی مواجهه او با این آیات روشن شود. بررسی این تفسیر نشان می‌دهد که ابن کثیر به برخی از فضایل موجود اهل بیت علیهم السلام در این آیات اعتراف نموده، در عین حال دیگران را نیز در بعضی از فضایل شریک دانسته با این حال آن دسته از فضایل اهل بیت علیهم السلام را که بر شایستگی حضرات معصومین علیهم السلام برای کسب مقام ولایت بر امت تأکید دارند انکار کرده، یا به دیگران نسبت داده است. حاصل پژوهش این که ابن کثیر برخلاف تعهدش، مبنی بر بیان حقایق قرآن، گرفتار استنباطات شخصی شده و در تفسیر این آیات بر اساس تعصبات مذهبی خود عمل کرده و حتی به ماجرای لیلۃ المبیّت و غدیر خم که در کتاب تاریخش مفضل به آنها پرداخته، اشاره نکرده است.

**واژگان کلیدی:** اهل بیت علیهم السلام، آیات فضایل اهل بیت علیهم السلام، ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم.

۱. سطح سه تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهراء علیها السلام Tahmasbi52@gmail.com

## مقدمه

قرآن با آیات صریح و کنایات لطیف، به جایگاه اهل بیت علیهم السلام که راهبری امت بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر عهده دارند، دلالت دارد. اعلام هدایتی که با اوصافی غیر قابل انکار، به عنوان مفسر، معلّم و سروران امت، از حقایق آشکار قرآنند. مجاهد می‌گوید: «هفتاد آیه در شأن علی علیه السلام نازل شد که احدی در آنها با او شریک نیستند». (حسکانی، ۱۴۱، ج ۱، ص ۵۲)

از نظر امامیه، خداوند متعال به مقتضای حکمت، عدل، رحمت و سایر صفات کمال و جلالش، امامت را به دنبال اصل نبوت بر خود واجب کرد، چنان‌که می‌فرماید: «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» (انعام: ۵۴) (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۱۳۴) و «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ» (لیل: ۱۲) (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۵۰۲). (رتانی، ۱۳۸۶، ص ۴۹)

قرآن کریم هر جا نامی از امامت می‌برد، به دنبالش متعزّض هدایت می‌شود و از سوی دیگر، همه جا این هدایت را مقید به امر کرده و با این قید فهمانده که امامت به معنای مطلق هدایت نیست؛ بلکه به معنای هدایتی است که با امر خدا صورت می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۷۲) و از حیطة اختیارات امت اسلامی خارج است. لذا برای تبیین این مهم، آیات قرآن به اوصافی همچون: عصمت و علم لدنی و سایر صفات ائمه اهل بیت علیهم السلام که تمام‌کننده رسالت آخرین پیامبر خدا و هادی ائمتند، در قالب فضایل مختلف، اشارات صریحی دارند از جمله: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه: ۱۱۹). (حبری، ۱۴۰۸، ص ۴۷۹)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در مواضع مختلف از جمله حدیث ثقلین، که به صورت متواتر در کتب شیعه و سنی نقل شده، تنها وسیله نیل به سعادت ابدی مسلمانان را به طور واضح، تمسک به اهل بیت علیهم السلام در کنار کتاب خدا معرفی فرمودند.

با توجه به موضع‌گیری‌های متفاوت مفسران اهل سنت نسبت به این آیات، که متأثر از اوضاع سیاسی بعد از وفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و گرایش‌های کلامی آنان است، بررسی و نقد این مواضع، در اثبات حقایق اهل بیت علیهم السلام و مسئولیت خطیری که همه مسلمانان در اطاعت بی‌چون و چرا از ایشان دارند، امری ضروری می‌نماید.

از آنجا که تفسیر ابن‌کثیر، طبق ادعای خودش، از هرگونه اعمال رأی و اجتهاد صرفاً عقلی،

مبّرًا است و تنها بر مبنای قرآن، سنت نبوی و اقوال سلف می باشد (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۸-۱۴)، لذا نزد اهل سنت دارای اعتبار فراوانی است. علماء اهل سنت نیز از تفسیر او به نیکی نام برده اند (رک: ذهبی، بی تا، ص ۲۴۳). همین امر، بررسی آیات فضائل اهل بیت علیهم السلام در تفسیر وی را ضرورت می بخشد. نظر به اینکه این تفسیر، همانند دیگر تفاسیر مأثور، مبتنی بر روایات منقول از صحابه مورد اعتماد اهل سنت است، روش بررسی و نقد نظریات تفسیری ابن کثیر در این مقاله، به صورت مقایسه این تفسیر با تفاسیر اهل سنت متقدم بر او، به ویژه طبری و بررسی استدلالات وی ذیل آیات فضائل و نحوه برخورد او با روایات است تا روشن شود نگاه تفسیری و موضع گیری او نسبت به آیات فضائل اهل بیت علیهم السلام چگونه است؟ و چگونه می توان از مستندات او اذعان به افضل بودن اهل بیت علیهم السلام و شایستگی ایشان بر احراز مقام جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله را به دست آورد؟ درباره دیدگاه بعضی از مفسران اهل سنت پیرامون این آیات، مقالاتی نوشته شده است از جمله: «بررسی فضائل اهل بیت علیهم السلام در تفسیر روح المعانی» نوشته الهام عباسی، حسین خاکپور و مهرناز گلی؛ «نقد و بررسی فضائل اهل بیت علیهم السلام در تفسیر الحدیث محمد عزه دروزه» از سید مهدی لطفی و عاطفه محمدزاده و «اهل بیت علیهم السلام رسالت در تفسیر طبری» به قلم رضا استادی. همچنین مقالاتی در رابطه با تفسیر ابن کثیر نوشته شده اند از جمله: «دانش تفسیر از نگاه طبری و ابن کثیر» از جین دمن مک اولیف<sup>۱</sup> با ترجمه رحمت الله کریم زاده، مجله الهیات و حقوق، تابستان ۱۳۸۱ش، که در طی آن به روش تفسیری ابن کثیر دو مفسر پرداخته و نقاط اشتراک و افتراق آنها بیان گردید. همچنین «نگاهی به تفسیر ابن کثیر، بهترین روش؛ تفسیر قرآن به قرآن» نگارش الازناو و ط و ترجمه: علی محمدی انتشار یافته در مجله گلستان قرآن، خرداد ۱۳۸۰ش نیز مقاله دیگری است که در این باره نوشته شده است؛ اما بر اساس بررسی نگارنده، آیات فضائل اهل بیت علیهم السلام در تفسیر ابن کثیر، در هیچ کتاب، پایان نامه یا مقاله ای به صورت مستقل کار نشده است.

1. Jane Dammen McAuliffe

## ۱. معرفی ابن کثیر و تفسیر او

### ۱.۱. آشنایی با ابن کثیر

عمادالدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر معروف به ابن کثیر (۷۰۱-۷۷۴ق)، مورخ، مفسر و محدث مشهور شافعی، در قریه «مجدل» در نزدیکی دمشق زاده شد. سرپرستی او را پس از پدر، برادر بزرگ ترش، کمال الدین عبدالوهاب بر عهده گرفت. او در سایه توجه برادر، در دمشق به کسب علم پرداخت. (ابن کثیر، ۱۴۲۵، ص ۱۰)

نخستین آموزگار او را باید برادرش، عبدالوهاب دانست. از استادانش چند تن در پرورش علمی او تأثیر چشمگیری داشتند که برهان الدین ابواسحاق ابراهیم فزاری، تقی الدین ابوالعباس احمد بن تیمیه حنبلی، جمال الدین ابوالحجاج مزّی، شمس الدین محمد ذهبی و ابن شحنه از آن جمله اند (همان، ص ۱۱-۱۶).

آثار چاپی ابن کثیر عبارتند از: تفسیر القرآن العظیم، احادیث التوحید و الرد علی الشریک، اختصار علوم الحدیث، البداية و النهایة و الاجتهاد فی طلب الجهاد. همچنین از جمله آثار خطی او می توان به: ارشاد الفقیه الی معرفة ادلة التنبیه، طبقات الشافعیة، احکام التنبیه لتکمیل فی الجرح و التعدیل و معرفة الثقات و الضعفاء و المجاهیل اشاره کرد. (ابن کثیر، ۱۴۲۵، ص ۲۲-۲۳)

### ۱.۲. روش تفسیری ابن کثیر

تفسیر ابن کثیر، از جمله تفاسیر روایی است که مؤلف از روش تفسیر قرآن به قرآن یا سنت بهره جسته و در بعضی موارد به روایات و اقوال صحابه و تابعین مراجعه می کند. ابن کثیر در مقدمه طولانی تفسیر خود بیان داشته که از ذکر احادیث ضعیف و غیر معتبر خودداری کرده و از بعضی اسرائیلیات، تنها به عنوان استشهاد بهره گرفته است (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۸-۱۴). «تفسیر القرآن العظیم» او نزد اهل سنت اعتبار والایی دارد. مفسر در این تفسیر به شیوه ای مطلوب بر اساس تفسیر قرآن با قرآن و آراء سلف صالح و پرهیز از هرگونه اعمال رأی و اجتهاد مبتنی بر مستندات عقلی، عمل کرده است. تفسیر ابن کثیر جلوه ای روشن از تفسیر نقلی یا تفسیر آیات به ظواهر آیات و اقوال پیامبر ﷺ و صحابه است. شیوه تفسیر ابن کثیر تقریباً به شیوه تفسیر طبری است.

او ابتدا آیه یا آیاتی را آورده و آنها را طبق اخبار و آثار وارد، تفسیر کرده و به قرائت و مسائل لغوی و ادبی آیات می‌پردازد. در این میان، اگر شبهه‌ای باشد، آن را به صورت سؤال مطرح ساخته و طبق روایات سلف پاسخ می‌دهد و در صورت تعارض، به جرح و تعدیل پرداخته و وجه ارجح را بیان می‌کند. وی برخلاف تفسیر طبری، توجه کاملی به بررسی سند دارد و ضمن ارزیابی همه سندها، صحیح و ضعیف و حسن و غریب آنها را مشخص کرده است (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۴۰). باید در نظر داشت که ابن تیمیه، تفسیر طبری را به دلیل بیان گفتار سلف، اصح تفاسیر می‌داند. (ابن تیمیه، بی تا، ص ۵۶).

تفسیر ابن کثیر و طبری در اکثر مبانی از جمله: قدسی و الهی بودن نص قرآن، جامعیت قرآن، فهم پذیری و ممنوعیت تفسیر به رأی مشترکند؛ اما ابن کثیر در نقل روایات، برخلاف طبری، از کتب صحاح و مسند ابن حنبل استفاده کرده و نسبت به نقل اسرائیلیات، با حساسیت عمل کرده است. از دیگر منابع روایی تفسیر ابن کثیر می‌توان به ابن مسعود (۳۲ق)، ابن عباس (۶۸ق)، انس بن مالک (۹۳ق)، مجاهد (۱۰۴ق)، عکرمه (۱۰۵ق)، قتاده (۱۱۷ق)، احمد بن حنبل (۲۴۱ق)، طبری (۳۱۰ق) و ابن مردویه (۴۸۰ق) اشاره کرد. او در آغاز تفسیر با خود عهد می‌بندد تا حقایق کتاب آسمانی را برای مردم بیان کرده و کتمان نسازد (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ج ۳، ص ۷۶۹ و ج ۴، ص ۱۷۰). با این حال، با بررسی تفسیر او، مواردی از تأثیر افکار سیاسی و سعی در تبلیغ عقاید مذهبی خاص وی در بیان حقایق مربوط به آیات فضایل اهل بیت علیهم السلام آشکار می‌شود که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

## ۲. بررسی مفهوم «اهل البیت»

واژه «اهل البیت» مرکب از دو واژه «اهل» و «البیت» و در لغت به معنای «افرادی که رابطه خصوصی تری با او دارند» می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۹). أهل الزجل یعنی کسانی که نسبی یا دینی یا چیزی همانند آنها مثل خانه‌ای و شهر و بنایی، آنها را با یکدیگر جمع و مربوط می‌کند و آنها را اهل و خانواده آن شخص گویند، پس أهل الرجل در اصل کسانی هستند که مسکن و خانه‌ای واحد، آنها را در یک جا جمع و فراهم می‌آورد. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۹۶)

این واژه در قرآن کاربردهای مختلفی دارد که گاه در معنایی عام، به اهل یک شهر (بقره: ۱۲۶) یا اهل کتاب (آل عمران: ۶۴) اشاره دارد و گاه مختص به محدوده کوچکی می شود مثل اهل بیت یکی از پیامبران (هود: ۷۳).

اصل «بیت» نیز به معنای جایگاه و پناهگاه انسان در شب است. «بات» یعنی در شب اقامت گزید و ساکن شد و به مسکن و خانه، بدون در نظر گرفتن تعبیر شب، بیت گفته اند (راغب، ۱۴۱۲، ص ۱۵۱). سپس این معنی توسعه یافته و گفته اند: اهل بیت یعنی کسانی که نسب خانوادگی، وسیله جمع آنهاست و بعدها اصطلاح اهل بیت به طور مطلق به خاندان پیامبر ﷺ اطلاق شد؛ چنان که در آیه ۳۳ سوره احزاب آمده است (همان، ص ۹۶).

از نظر مفسران امامیه، اهل بیت دارای یک معنای «اخص» نیز می باشد و آنها کسانی هستند که پس از نزول آیه تطهیر، تحت کساء یمانی جمع شدند و پیامبر ﷺ در حقشان فرمود: «هؤلاء اهل بیتی فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۱۸). در ادبیات امامیه، از واژه اهل بیت برای امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و نه امام معصوم از فرزندان او استفاده می شود. در تفسیر آیه تطهیر، مفسران متفق القولند هنگامی که آیه تطهیر نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را فراخواند و بر آنان کسائی پوشاند. (ر.ک: قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۹۳؛ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۳۳۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۵۹؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۷۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۸۷؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۳۱۳۲ و طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۶)

گفتنی است نظر دانشمندان اهل سنت که می کوشند همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را ذیل «اهل بیت» وارد کنند، تحت تأثیر مفهوم لغوی آن است که به ساکنان و منسوبان یک خانه اطلاق می شود؛ اما وقتی آنان از ائمه اهل بیت علیهم السلام یا اهل بیت علیهم السلام در ماجرای کساء (ر.ک: ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۳۱۳۳ و طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۵-۶) و مباحله (ر.ک: مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۸۳ و طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۱۳) نام می برند، ملتزم به همان برداشت شیعیان هستند و همسران و دیگران، مشمول آن نمی شوند. در این پژوهش، بازتاب آیاتی از قرآن کریم در تفسیر ابن کثیر بررسی می شود که در حقیقت به فضایل اولین جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و به تبع آن ائمه معصومین علیهم السلام اشاره دارند. در نتیجه

مراد از «اهل بیت»، خاندان نبی مکرم اسلام ﷺ است که از پیوند ازدواج علی ﷺ و فاطمه ﷺ آغاز می‌شود و با ائمه اهل بیت ﷺ تا حضرت حجت ﷺ ادامه می‌یابد. (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۶۶)

### ۳. آیات مربوط به اهل بیت ﷺ

پیش از ورود به بحث، ذکر این مقدمه ضروری است که شیعه امامیه، وجود اهل بیت ﷺ یا همان امامان معصوم را ضروری می‌داند (طوسی، ۱۳۹۹، ص ۲۲۱)؛ چرا که امامت، ادامه نبوت بوده و یک مقام الهی و منصب معنوی است، جز اینکه امام، دریافت‌کننده وحی و آورنده شریعت نیست (سبحانی، ۱۳۵۷، ص ۲۷) و در این منصب، انتخاب و رأی افراد راه ندارد. (رازی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۰۱)

اما مفسران اهل سنت، ذیل آیه جعل خلافت، با توجه به استعمال واژه «خلیفه» در معنای ریاست و رهبری سیاسی جامعه، جعل خلیفه را نه توسط نص الهی، بلکه امری واگذار شده به امت می‌دانند و از نظر آنان، برائت واجب است که خلیفه را تعیین کنند. قرطبی ذیل آیه جعل خلافت، دلایل شیعه در لزوم جانشینی علی ﷺ بعد از پیامبر ﷺ و وجود نص بر این مطلب را به تفصیل رد می‌کند و می‌نویسد: نصب خلیفه از راه رأی و اجتهاد، واجب است و نصی بر تعیین آن وجود ندارد. (قرطبی، ۱۳۶۴، ص ۲۷۳-۲۷۵)

از دیدگاه ابن‌کثیر نیز جعل خلیفه یا از طریق اجماع اهل حل و عقد یا توسط خلیفه قبلی یا به وسیله شورایی از جماعت صالحین صورت می‌گیرد (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۲۹). اهل سنت در نگاه حداقلی، عدالت، فقاہت، قرشی بودن و توان مدیریت کشوری و لشگری را در خلیفه و امام کافی می‌دانند (پیشوایی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۰) و معتقدند ضرورتی ندارد که خلیفه و امام، اعلم امت نسبت به اصول و فروع اسلام، معصوم و افضل باشد؛ به همین دلیل است که مفسرانی مانند قرطبی، حتی در صورت فسق امام، عزل او را جایز می‌دانند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۷۲) و برخی از متکلمان اهل سنت، انجام فسق و فجور و آلودگی از سوی خلیفه یا غصب اموال و کشتار مردم و عدم اجرای عدالت و ضایع کردن حقوق دیگران را مانع خلافت و امامت وی نمی‌دانند. (باقلانی، بی‌تا، ص ۱۸۶)

اما از دیدگاه شیعه، عصمت (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۲۰۲-۲۰۳)، اعلمیت (دانش فراتر از علم عادی) و افضلیت، از ویژگی‌های خلیفه و امام است (نهج البلاغه، دشتی، ۱۳۷۹، ج ۲) و طبیعتاً در قرآن نیز انعکاس یافته است.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: «بدانید آیات قرآن چهار قسمت است: یک قسمت مختص ما اهل بیت علیهم السلام است و یک قسمت اختصاص به مذمت دشمنان ما دارد. یک چهارم درباره حلال و حرام و یک چهارم باقی مانده در واجبات و فرایض است» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۸). لذا تقریباً بخش عمده‌ای از آیات قرآن را می‌توان به عنوان قرینه، برای شناخت امام معصوم دانست که این آیات به دو دسته تقسیم می‌شوند:

### ۳,۱. آیات دال بر امامت اهل بیت علیهم السلام

طبق یک دسته‌بندی، آیاتی از قرآن به طور مستقیم، مسئله امامت اهل بیت علیهم السلام را مورد توجه قرار داده‌اند. این آیات عبارتند از: آیه تبلیغ (مائده: ۶۷)، آیه ولایت (مائده: ۵۵)، آیه اکمال (مائده: ۳)، آیه صادقین (توبه: ۱۱۹)، آیه قربی (شوری: ۲۳)، آیه انذار (شعراء: ۲۱۴ و ۲۱۵) (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۹، ص ۱۷۰-۱۷۱). بر اساس این دسته آیات، پروردگار، امامان معصوم علیهم السلام را مانند رسول مکرم اسلام، صاحب ملکه عصمت از هرگونه لغزش آفریده و لوای راهبری و امامت امت را بر دوش ایشان نهاد و ایشان را ولی امر و تدبیرکننده امور جامعه قرارداد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹). مفسران و علمای اهل سنت در معنی «اولی الامر» اختلاف زیادی دارند. بعضی آن را به معنی صحابه و بعضی به فرماندهان لشکر و بعضی به خلفای چهارگانه تفسیر کرده‌اند. (همان، ص ۵۴)

### ۳,۲. آیات دال بر فضایل اهل بیت علیهم السلام

علاوه بر آیات صریحی که دال بر امامت مفروض الطاعه اهل بیت علیهم السلام هستند، آیات بسیاری در قرآن به شایستگی‌هایی از اهل بیت علیهم السلام اشاره می‌کنند که در کنار مقدمه عقلی ترجیح «افضل» بر «مفضل»، امامت و ولایت ایشان را اثبات می‌کند (مکارم، ۱۳۸۶، ج ۹، ص ۲۲۷). امیرمؤمنان درباره



فضایل اهل بیت علیهم السلام در قرآن می فرماید: «ارزنده ترین آیات قرآن، درباره آنان است و آنان، گنج های خداوند رحمان اند». (نهج البلاغه، دشتی، ۱۳۷۹، خ ۱۵۴)

قرآن کریم آکنده از آیاتی است که بنا بر نقل مفسران شیعه و سنی، در شأن و منزلت اهل بیت علیهم السلام می باشند. از جمله: آل عمران: ۶۱ (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۸۲ و ثمالی، ۱۴۲۰، ص ۱۲۳)؛ بینه: ۷ (حبری، ۱۴۰۸، ص ۳۷۲ و طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۷۱)؛ دهر (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۹۸ و مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۵۲۴)؛ توبه: ۱۹ (عباشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۸۳ و طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۳، ص ۲۹۴)؛ هود: ۱۷ (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۱۸۸ و طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲، ص ۱۸)؛ احزاب: ۲۳ (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۸۸ و حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۶)؛ احزاب: ۳۳ (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۳۳۵ و طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۶)؛ کوثر (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۷ و حسکانی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۳۴۲)؛ رعد: ۱۳ (حویزی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۴۸۲ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۴۳۵)؛ رعد: ۲۸ (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۵۰۲ و سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۵۸)؛ رعد: ۴۳ (ثمالی، ۱۴۲۰، ص ۳۲ و ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۳۰۲)؛ نور: ۳۴ (حویزی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۴۰۴)؛ نور: ۳۶ (ثمالی، ۱۴۲۰، ص ۲۵۱ و آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۳۶۷)؛ تحریم: ۴ (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۳۴۸) و زمزم: ۳۳ (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۴۹ و حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۷۸).

#### ۴. دیدگاه مفسران اهل سنت در قبال بعضی آیات فضایل اهل بیت علیهم السلام

با توجه به این مطلب که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بر جدایی ناپذیر بودن قرآن و عترت تأکید فراوانی داشته و تمسک به این دو را ضامن تداوم رسالت خود معرفی فرمود، مفسران شیعه و سنی، به مقام شامخ اهل بیت علیهم السلام و فضایل ایشان در قرآن اقرار دارند؛ اما تسلط حکومت اموی و تبلیغات گسترده آنها در راستای تبلیغ عقاید خود و حذف رقیب، موجب پنهان ماندن فضایل اهل بیت علیهم السلام گردید. لذا شاهد موضع گیری های مختلفی از سوی مفسران اهل سنت از جمله ابن کثیر در این مورد هستیم. آشنایی با انواع این برخوردهای سیاسی، قبل از بررسی نظرات ابن کثیر در این حیطة، زمینه را برای درک بهتر دیدگاه او مهیا می کند.

##### ۴.۱. ذکر بی طرفانه فضایل اهل بیت علیهم السلام

بعضی مفسران اهل سنت بدون هیچ موضع گیری متعصبانه ای، حقایق مربوط به جایگاه

اهل بیت علیهم السلام را در تفسیر آیات مربوط به ایشان نقل کرده‌اند. علامه «حاکم حسکانی»، دانشمند حنفی مذهب قرن پنجم هجری در کتاب ارزشمند *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، ۲۹۶ آیه را در شأن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته و در این باره ۱۱۶۳ روایت به عنوان شاهد آورده است (رک: هاشم‌زاده، ۱۳۸۴، ش ۶۳). حسکانی ذیل آیه ۵۹ سوره نساء، از علی علیه السلام نقل می‌کند: «از پیامبر پرسیدم: یا نبی الله من هم (اولی الامر)؟ قال: انت اَوْهَم» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۴۸).

#### ۴,۲. واردکردن خدشه در سند

یکی از راه‌های تضعیف فضیلت اهل بیت علیهم السلام در تفسیر آیات قرآن، که برخی از دانشمندان اهل سنت انتخاب کردند، تعرّض به سند روایات مربوط به این آیات است. آنان با عباراتی مانند: «شیعی مومن بالرجعة فی الدنيا» (عسقلانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۸)، «أبو خالد شیعی منحرف» (ماوردی، بی تا، ج ۵، ص ۴۷۳)، «علی بن بذیمه و إن کان ثقة إلا أنه شیعی غالی» (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۴)، «عبد الغفار بن القاسم ابي مریم، و هو متروک کذاب شیعی» (همان، ج ۶، ص ۱۵۳)، «أبو اسحاق و هو شیعی مردود الروایة» (ألوسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۶۰) با متهم کردن راویان شیعه به مواردی همچون اعتقاد داشتن به «رجعت»، انحراف عقیده، غلو، کذب و غیر قابل اعتماد بودن، روایات ایشان را نپذیرفتند.

#### ۴,۳. جعل حدیث در تفسیر آیات

سیوطی (۹۱۱مق) از قول ابن عساکر حدیثی جعلی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند به این مضمون که: «تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا» الآیة قال فجاء بأبی بکرو ولده! و بعمر و ولده! و بعثمان و ولده! و بعلی و ولده»؛ یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله، ابوبکر، عمر، عثمان و علی علیهم السلام را به همراه فرزندان ایشان برای مباحله فراخواند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۰). ابن عربی (۵۴۳مق) نیز برای خدشه دار کردن مقام والای امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌گوید: «عطاء بن سائب از ابو عبد الرحمن سلمی که (معاذ الله) علی علیه السلام گفت: عبد الرحمن بن عوف غذایی آماده کرد و ما را به غذا و شراب دعوت کرد و با شراب از ما پذیرایی کرد و وقت نماز که داخل شد، چنین خواندم: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَ نَحْنُ نَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ».

سپس این آیه نازل شد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» و تأکید می‌کند: «هذا حديث من روایت العدل عن العدل». (ابن عربی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۴۳۲-۴۳۳)

#### ۴,۴. ایجاد ابهام در بیان فضایل اهل بیت علیهم‌السلام

طبری (۳۱۰م ق) و ابن کثیر در شان نزول آیه ۲۱۴ سوره شعراء، کلمات کلیدی «وصیی و وزیر و خلیفتی فیکم» را حذف کردند: «فأیکم یؤازرنی علی هذا الأمر، علی أن یکون أخی و کذا و کذا؟» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۹، ص ۷۵) و (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۱۵۳) تا با ایجاد ابهام در قول رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نسل‌های بعدی، از مقام وصایت و خلیفه بودن علی علیه‌السلام بعد از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باخبر نشوند.

#### ۴,۵. تحریف و تضعیف فضایل

جصاص (۳۷۰م) از مجاهد، سدی، امام محمد باقر علیه‌السلام و عتبه ابی حکیم، در شان نزول آیه ولایت (مائده: ۵۵) نقل می‌کند: «أنها نزلت فی علی بن ابی طالب حین تصدق بخاتمه و هوراکع» و حسن می‌گوید: «این آیه وصف همه مسلمانان است؛ چون قول خدا صفت برای جمع است نه مفرد» (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۰۲) و مظهری (۱۲۲۵م ق) می‌گوید: «روی عن عکرمه: أنها نزلت فی ابی بکر». (مظهری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۳۳)

#### ۵. بررسی دیدگاه ابن کثیر در آیات فضایل اهل بیت علیهم‌السلام

چنان‌که گذشت ابن کثیر در مقدمه تفسیر خود عهد می‌کند تا هیچ‌کدام از معارف الهی موجود در کتاب خدا را کتمان نکند و حقایق مربوط به آیات را بدون کم و کاست بیان نماید. با بررسی نمونه‌هایی از تفسیر و نحوه التفات او به کرائم الآیات، به موضع‌گیری‌های مختلفی از سوی او دست می‌یابیم:

#### ۵,۱. پذیرش برخی آیات فضایل درباره اهل بیت علیهم‌السلام

ابن کثیر مانند بسیاری از مفسران و محدثان اهل سنت، با برخی آیات فضایل، برخوردی منصفانه

داشته و سعی کرده تا بر فضایل ایشان سرپوش نهد. در ادامه مواردی از این مواجهه بیان می‌شود:

### - آیه انفاق

ابن‌کثیر در ذیل آیه ۲۷۴ سوره بقره، از مجاهد از ابن‌عباس نقل می‌کند: آیه وقتی نازل شد که علی علیه السلام چهار درهم داشت. یک درهم را شبانه، یکی را در روز، یکی را در خفا و یکی را آشکارا انفاق کرد (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵۴۵). او برخلاف طبری این شأن نزول را ذکر می‌کند.

### - آیه غذای بهشتی

ابن‌کثیر ذیل آیه ۳۷ سوره آل‌عمران، ماجرای را از قول جابر، مبنی بر اینکه بعد از چند روز گرسنه ماندن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اطرافیان ایشان، ظرف غذایی از طرف حضرت زهرا علیها السلام، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاده شد، در حالی که ظرف پر از نان و گوشت بود و همه از آن میل کرده و سیر شدند. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله این حالت را دید، پرسید: «من این لک هذا یا بنیة؟» فاطمه علیها السلام جواب داد: «هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ». (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۰)

### - آیه صلوات

ابن‌کثیر ذیل آیه ۵۶ سوره احزاب، از ابن‌ابی‌حاتم نقل می‌کند: کعب بن عجره از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد کیفیت ذکر صلوات گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بگوئید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ. إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

وی همچنین از ابن‌مسعود بدری نقل می‌کند: از رسول خدا صلی الله علیه و آله کیفیت فرستادن صلوات در نماز را جویا شدیم. ایشان فرمودند: «بگوئید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ». (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۴۰۶-۴۰۷)

### - آیه نجوی

ابن‌کثیر ذیل آیه ۱۲ سوره مجادله می‌نویسد: در پی امر خدا به پرداخت صدقه قبل از نجوا با پیامبر صلی الله علیه و آله، تنها کسی که به آن عمل کرد، علی علیه السلام بود و سپس این آیه منسوخ شد. وی از مجاهد از علی علیه السلام نقل می‌کند: «آیه‌ای در قرآن موجود است که هیچ‌کس قبل و بعد از من به آن عمل نکرد. من یک دینارم را به ده درهم برگرداندم و هرگاه با رسول خدا صلی الله علیه و آله نجوا کردم، یک درهم صدقه

دادم. سپس آیه نسخ شد و کسی قبل یا بعد از من به آن عمل نکرد». (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۸۰)  
- آیه اُذُنٌ وَاَعِيَّةٌ

ابن کثیر ذیل آیه ۱۲ سوره حاقه، از قتاده نقل می‌کند: خداوند می‌فرماید: «اُذُنٌ وَاَعِيَّةٌ» یعنی این نعمت را بفهمد و آن را یادآوری کند و اهل تعقل بوده و از آیات قرآن بهره کامل ببرد. او از ابن ابی حاتم نقل می‌کند: رسول خدا ﷺ فرمودند: «سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يَجْعَلَهَا أُذُنٌ عَلِيٍّ». از مکحول نقل می‌کند: علی عليه السلام می‌گفت: «هیچ چیزی نیست که از رسول خدا ﷺ شنیده باشم و فراموش کرده باشم». (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۲۲۷)

#### - آیه مَبَاهِلُهُ

ابن کثیر ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران، از ابوبکر بن مردویه از جابر نقل می‌کند: پیامبر ﷺ در روز مباهله با مسیحیان نجران، دست علی و فاطمه و حسن و حسین عليهم السلام را گرفت و آماده مباهله شد، لذا: «أَنْفُسَنَا: رَسُولُ اللَّهِ ﷺ و عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ أُنْبَاءَنَا: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَ نِسَاءَنَا: فَاطِمَةُ» و همین نقل را حاکم در مستدرکش از ابن عباس روایت کرده است. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۴۷؛ مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۸۳ و طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۱۳)

#### - آیه ۵ سوره ضحی

ابن کثیر با اسناد صحیح از سدی از ابن عباس ذیل آیه ۵ سوره ضحی «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» نقل می‌کند: از چیزهایی که موجب رضایت پیامبر ﷺ می‌شود، این است که هیچ یک از اهل بیتش وارد آتش جهنم نخواهند شد و از پیامبر ﷺ نقل شده: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا». (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۴۱۲)

#### - آیه سَقَايَةِ الْحَاجِّ

ابن کثیر ذیل آیه ۱۹ سوره توبه، از عبدالرزاق نقل می‌کند که آیه در شأن علی عليه السلام و عباس نازل شده است. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۰۷)

#### - آیه مُؤْمِنٌ وَ فَاسِقٌ

ابن کثیر ذیل آیه «أَفَسَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ» (سجده: ۱۸) از عطاء بن یسار و

سدی و دیگران ذکر می‌کند که این آیه درباره علی علیه السلام و عقبه بن ابی معیط نازل شد. (ابن کثیر،

۱۴۱۹، ج ۶، ص ۳۲۹)

### - آیه سابقون

ابن کثیر ذیل آیه ۱۰ سوره واقعه، از قول مجاهد از ابن عباس نقل می‌کند: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾؛ یوشع بن نون، سبق الی موسی و مؤمن آل یس، سبق الی عیسی و علی بن ابی طالب سبق الی محمد رسول الله صلی الله علیه و آله. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۶)

### نقد و بررسی

چنان‌که روشن است ابن کثیر در بیان شأن نزول این آیات، جانب انصاف را رعایت کرده و همچون اکثر مفسران پیش از خود، به فضایل اهل بیت علیهم السلام و مقام والای معنوی ایشان، در این آیات اشاره می‌کند. وی حتی شأن نزول آیه انفاق و سابقون را که طبری در تفسیرش به آن اشاره نکرد، بیان نموده است.

## ۵،۲. به اشتراک گذاشتن آیات فضایل اهل بیت علیهم السلام با غیر اهل بیت

### - آیات برتری ثواب اخروی

ابن کثیر به نقل از مجاهد، آیات ۶۰ و ۶۱ سوره قصص را درباره حمزه و علی علیهم السلام و ابوجهل می‌داند؛ اما در نهایت می‌گوید: ظاهر این است که در شأن عموم مؤمنان می‌باشد. (ابن کثیر،

۱۴۱۹، ج ۶، ص ۲۲۴)

### - آیه حزب الله

ابن کثیر ذیل آیه ۲۲ سوره مجادله می‌گوید: ﴿وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ﴾ در شأن ابوعبیده عامر بن عبدالله جراح، که پدرش را در جنگ بدر به قتل رسانید و «أَوْ أَبْنَاءَهُمْ» در مورد صدیق که پسرش عبدالرحمن را کشت و «أَوْ إِخْوَانَهُمْ» در مورد مصعب بن عمیر که برادرش عبید را کشت و «أَوْ عَشِيرَتَهُمْ» در مورد عمر که نزدیکانش را کشت و در شأن «حمزه و علی و عبیده بن حارث» است که «عتبه و شیبه و ولید بن عتبه» را کشتند (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۸۴). حاکم از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «آیه (لَا تَجِدُ ...)، قَالَ: نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ». (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۲۹)

## - آیه تطهیر

ابن کثیر ذیل آیه ۳۳ سوره احزاب، از ابن عباس نقل می‌کند: نص صریح، دخول همسران پیامبر ﷺ در «اهل بیت» است؛ چون آنها سبب نزول این آیه هستند و سبب نزول به تنهایی یا همراه با غیر آن، داخل در اهل بیت می‌شود. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۳۶۴)

وی از طبری نقل می‌کند: عکرمه در بازار ندا می‌داد که این آیه فقط در شأن همسران پیامبر ﷺ است. در حالی که طبری این قول عکرمه را بعد از اخباری که از طرق مختلف «علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ» را طبق حدیث کساء، اهل بیت ﷺ می‌دانند، نقل می‌کند. (رک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۵-۶)

او می‌نویسد: زیدبن ارقم در جواب اینکه: آیا همسران پیامبر جزء اهل بیت رسول خدا ﷺ هستند؟ گفت: بله! لیکن اهل بیت او کسانی هستند که صدقه بر آنها حرام است، یعنی آل علی ﷺ، آل عقیل، آل جعفر، آل عباس.

وی در سندی دیگر می‌آورد: یزیدبن حیان از زیدبن ارقم در مورد همسران پیامبر ﷺ پرسید و او جواب منفی داد و گفت: اهل بیت کسانی هستند که صدقه بر آنها حرام است و آنها را نام برد. سپس نتیجه می‌گیرد: پذیرش قول اول سزاوارتر است. قول دوم تنها در پی بیان کسانی است که صدقه بر آنها حرام است. لذا باید بین روایات جمع کنیم. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۳۶۵-۳۷۰)

## - نقد و بررسی

ابن کثیر در بیان آیه تطهیر، با استناد به دو روایت از صحابه، همسران پیامبر ﷺ را جزء اهل بیت پیامبر ﷺ و مشمول آیه تطهیر می‌داند. در حالی که این دو سند، بعد از ذکر چهارده روایت صحیح که مصداق اهل بیت را اصحاب کساء معرفی می‌کنند، قرار دارد (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۳۶۵-۳۷۰). باید توجه داشت روایت عکرمه از طبری نیز بعد از ذکر سیزده صحیح که تنها اصحاب کساء را مشمول آیه تطهیر می‌دانند، بیان شده است. (رک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۵-۷)

شاهد دیگر او در این مورد که همسران پیامبر ﷺ، مصداق آیه تطهیرند، سیاق ابتدای آیه ۳۳ احزاب است که خطاب به ایشان است؛ در حالی که ضمایر مخاطب، ناگهان از مؤنث به مذکر برمی‌گردد. اضافه بر اینکه لحن آیه نیز از حالت عتاب به مدح و ثنا تبدیل می‌شود و بعد



دوباره به حالت اول درمی‌آید و این نشان‌دهنده خطابی جدید و تعظیم مخاطبان است که همان اصحاب کساء هستند.

حاکم در شواهدش حدود یکصد و چهل روایت از طرق اهل سنت نقل کرده که این آیه درباره خاندان رسالت است نه زنان و همسران آن حضرت. حتی ام سلمه هم که بعد از خدیجه کبری علیها السلام بهترین همسر آن حضرت است، مشمول این آیه نیست. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۸-۸۵)

### ۵,۳. عدم اشاره به فضایل اهل بیت علیهم السلام در برخی آیات

ابن کثیر در مواردی از ذکر شأن نزول آیاتی که بر فضایل اهل بیت علیهم السلام دلالت دارند، خودداری و یا بعد از ذکر، آن را تضعیف یا رد کرده و یا راوی آن را دروغگو و جاهل می‌خواند. (ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۱۸۴)

#### -آیه لیلۃ المبیّت

ابن کثیر ذیل آیه ۲۰۷ سوره بقره از ابن عباس و جماعتی می‌نویسد: این آیه در شأن صهیب بن سنان است که از مالش گذاشت و هجرت کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله درباره اش فرمود: «صهیب سود کرد». اکثر علماء معتقدند: این آیه در مورد همه مجاهدان فی سبیل الله است (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۲۱)؛ اما اکثر مفسران سنی متقدم، این آیه را مربوط به «لیلۃ المبیّت» می‌دانند. (ر.ک: ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۲۶؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۲۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۳۵۰ و قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۱)

#### -آیه صالح المومنین

ابن کثیر ذیل آیه ۴ سوره تحریم می‌گوید: «صالح المومنین» ابوبکر و عمرند. حسن بصری، عثمان را هم جزء آنها می‌داند و لیث بن ابی سلیم از مجاهد نقل کرد: «صالح المومنین»، علی بن ابی طالب است. ابن ابی حاتم می‌آورد: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «و صالح المومنین: هو علی بن ابی طالب». اما این شأن نزول به دلیل ضعف سند، قابل قبول نبوده و جداً ناشناخته است (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۱۸۷). طبری نیز ابوبکر و عمر را «صالح المومنین» می‌داند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸، ص ۱۰۵)، در حالی که شأن نزول منقول از ابن ابی حاتم، از راویان معتبر و با سندهای محکمی نقل شده است. (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۳۴۸ و ماوردی، بی تا، ج ۶، ص ۴۱)



حاکم حسکانی حنفی، ذیل این آیه از هجده طریق مختلف به این شأن نزول اشاره کرده است. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۴۷ و ۳۵۱)

#### - آیه خیر البریه

ابن کثیر ذیل آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (بینه: ۷) بدون اشاره به شأن نزول آیه، از احمد بن حنبل از ابی هریره از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: کسی که در راه خدا اسبش را زمین می‌کند و به جهاد می‌رود و کسی که با وجود مال فراوان، نماز می‌خواند و زکات می‌دهد، مصداق «خیر البریه» هستند (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۴۳۹). دیگر مفسران اهل سنت در شأن نزول این آیه، از ابن عباس می‌آورند: فقال النبي ﷺ: «أنت يا علي وشيعتك». (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۷۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۶۰ و سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۷۹)

#### - سوره هل اتي

ابن کثیر ذیل آیه «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (انسان: ۸)، به فرمان پیامبر ﷺ مبنی بر اکرام اسرای مشرک اشاره می‌کند (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۲۹۵)؛ اما اکثر مفسران بزرگ اهل سنت، به اطعام مسکین، یتیم و اسیر توسط اهل بیت ﷺ اذعان دارند. (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۵۲۴؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۶، ص ۴۰۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۹۹؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۰۶؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۹۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۷۴۷؛ ابن عربی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۳۹۳؛ ابن جزی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۳۷ و واحدی، ۱۴۱۱، ص ۲۳۷)

#### - آیه تصدیق

ابن کثیر در تفسیر آیه ۳۳ سوره زمر مواردی مانند: رسول الله ﷺ، مؤمنان، اصحاب قرآن و مسلمانان را از مصادیق «صَدَّقَ بِهِ» ذکر می‌کند (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۸۸). اما حاکم در تفسیرش با بیان کامل سلسله راویان حدیث که از سه طریق از قول مجاهد، از دو طریق از قول ابن عباس و از یک طریق از قول علی ﷺ نقل می‌کنند، علی ﷺ را مصداق «تصدیق کننده» پیامبر ﷺ می‌داند: «وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ هُوَ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلِيٌّ صَدَّقَ بِهِ» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۸۱). رسعی حنبلی (۶۶۱م ق) نیز در تفسیر خود، از قول مجاهد، به این فضیلت اشاره کرده است. (رسعی، ۱۴۲۹، ج ۹، ص ۲۸۹)

### - آیه ذوی القربی

ابن کثیر در شان نزول آیه ۲۶ سوره اسراء، ابتدا از ابی سعید نقل می‌کند: «وقتی این آیه نازل شد، پیامبر ﷺ، حضرت فاطمه را خواست و فدک را به او بخشید؛ اما در ادامه تلاش می‌کند این قول را تضعیف کند و می‌نویسد: اما سندش اشکال دارد؛ چون کسی جز تمیمی و ابی الخوار، این حدیث را از فضیل نقل نکردند. حتی اگر سندش هم صحیح باشد، آیه مکی است و فدک، مربوط به فتح خیبر، در سال هفتم هجری است؛ «پس این حدیث منکری است و شبیه‌تر به آن است که از ساخته‌های رافضه باشد» (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۶۳). این در حالی است که آلوسی (م ۱۲۷۰ق)، از بزار (م ۲۹۲ق)، ابویعلی (م ۲۰۷ق)، ابن ابی حاتم و ابن مردویه (م ۴۱۰ق) آورده که ایشان به نقل از ابی سعید خدری (م ۷۴ق) می‌نویسند: «لما نزلت هذه الآية دعا رسول الله ﷺ فاطمة فأعطاهها فدكا» (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۶۱). همچنین حاکم در تفسیرش این شأن نزول را به نقل از ابن عباس نیز آورده است. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۷)

### - آیه بینه و شاهد

ابن کثیر ذیل آیه «أَفَسَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ...»؛ آیا آن کس که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد و به دنبال آن، شاهدهی از سوی او می‌باشد... (هود: ۱۷) از قول عده‌ای از صحابه نقل می‌کند: «منظور از شاهد، جبرئیل است». علی عليه السلام، حسن و قتاده می‌گویند: «منظور، پیامبر ﷺ است» و بنا بر قول ضعیفی «شاهد من» علی عليه السلام است که هیچ قائلی آن را ثابت نمی‌کند و دو قول اول، دارای قوتند (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۲۷۰). حسکانی بالغ بر ۱۶ روایت در ذیل این آیه آورده که علی عليه السلام را مصداق «شاهد من» معرفی می‌کنند (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۸۰). همچنین مفسران بزرگ متقدم بر ابن کثیر مانند: (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲، ص ۱۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۱۶۲، بغوی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۴۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۷، ص ۳۳ و العزیزین عبدالسلام، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۸۱) نیز علی عليه السلام را مصداق «شاهد من» می‌دانند.

### - آیه هادی

ابن کثیر در تفسیر آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ؛ تو فقط بیم‌دهنده‌ای و برای هر گروهی، هدایت‌کننده‌ای هست» (رعد: ۷) از عوفی از ابن عباس نقل می‌کند: خداوند می‌فرماید: «انت یا

محمد منذر و انا هادی کل قوم». سپس از قول طبری می‌گوید: سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده: وقتی این آیه نازل شد، پیامبر ﷺ دستش را بر سینه اش نهاد و فرمود: «انا منذر و لكل قوم هادٍ؛ من اندازد هنده ام و هر قومی، هادی دارد» و با دست بر شانه علی (علیه السلام) زد و فرمود: «أنت الهادی یا علی، بک بهتدی المهتدون بعدی»؛ اما «این حدیث، ناشناخته و غیر قابل قبول است» (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۷۲). در حالی که این فضیلت را دیگر مفسران سنی نقل کرده اند: (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۳، ص ۷۲؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۲۲۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۲۷۲؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۸۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۸۴ و فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۹، ص ۱۴)

#### - آیه دوازده نقیب

ابن کثیر در تفسیر آیه «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا؛ خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنها دوازده نقیب [سرپرست] برانگیختیم» (مائده: ۱۲) از عبدالله بن مسعود نقل می‌کند: از پیامبر ﷺ درباره جانشینش پرسیدم. فرمود: «دوازده نفر مانند نقیبان بنی اسرائیل» و «همه از قریش» و آنها را نام برد: ابوبکر، عمر، عثمان، علی (علیه السلام)، بی‌شک عمر بن عبدالعزیز و بعضی خلفای عباسی تا قیامت حکومت می‌کنند و آخری ایشان همان پیامبر ﷺ است. اما آن «مهدی» نیست که رافضه، توهم وجود و ظهورش را از سرداب سامرا دارند. چنین کسی در حقیقت وجود ندارد. اینها از هوس‌های افراد سبکسر و نادان است و این دوازده سرپرست، آنهایی نیستند که رافضه به دلیل جهل و کم‌عقلی‌شان به آن معتقدند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۵۹)

#### - نقد و بررسی

ابن کثیر با وجود اینکه اکثر مفسران متقدم اهل سنت، آیه ۲۰۷ بقره را ناظر بر فداکاری علی (علیه السلام) در ليله المبيت می‌دانند، هیچ اشاره‌ای به آن نمی‌کند؛ در حالی که خود به تفصیل در کتاب تاریخش به موضوع «ليلة المبيت» می‌پردازد. (ابن کثیر، ۱۴۲۵، ص ۵۲۳) او ابتدا اسناد موجود در تفاسیر اهل سنت که علی (علیه السلام) را مصداق «صالح المؤمنین» می‌دانند، تضعیف کرده و سپس با تبعیت از طبری بیان می‌کند که این آیه در شأن عمر و ابوبکر است. ابن کثیر در تفسیر آیات «خير البرية»، «شاهد» و «هادی» شدیداً تحت تأثیر استادش، ابن تیمیه

قرار گرفته و با وجود نظر طبری و سایر مفسران بزرگ سنی، با تضعیف سندها، علی علیه السلام را مصداق «بهترین خلق»، «شاهد» و «هدایت کننده» امت نمی داند.

ابن کثیر در سند روایت اعطاء فدک از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام خدشه وارد کرده و سپس می نویسد: چون آیه «ذوی القربی» مکی است، دلالت بر ایتاء فدک به فاطمه علیها السلام ندارد که در جواب او باید گفت: اولاً این حدیث از سوی ابن خثیم، کندی، ابن یعلی، ابن مسهر، داوود طایی، عبدالله بن داوود و معاویه بن هشام قصار نیز از فضیل نقل شد (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۳۸). ثانیاً، به نظر مفسران، «گاهی حکم آیه از زمان نزول به تعویق می افتد»<sup>۱</sup> و این آیه از آن موارد است. (سیوطی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۴۲)

او در شأن نزول آیات «هل اتی» نیز سکوت را ترجیح داده و با وجود اذعان اکثر مفسران بزرگ سنی از جمله واحدی<sup>۲</sup>، هیچ اشاره ای به ماجرای مشهور اطعام و بخشش اهل بیت علیهم السلام به یتیم، مسکین و اسیر نمی کند.

ابن کثیر حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله<sup>۳</sup> درباره جانشینان بعد از خود را تحریف کرده و با طرح حدیثی مجعول، خلفا را مصداق دوازده نقیب قرار می دهد. او به این مقدار بسنده نکرده و با حمله به عقاید شیعه در باب امامت، اعتقاد به ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله را توهم و ناشی از جهل و هوی و هوس می داند. در روایتی که در ذیل آیه ۱۲ سوره مائده نقل کرده، این خلفاء تا روز قیامت که امت اسلام باقی است، باید ولایت امت را بر عهده داشته باشند. ابن تیمیه نیز ابوبکر، عمر، عثمان، علی علیه السلام، معاویه، یزید، معاویه بن یزید، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان، ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک و عمر بن عبدالعزیز را مصداق این دوازده نقیب بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرده است. (ابن تیمیه، بی تا، ج ۴، ص ۲۰۶)

۱. بانه يجوز أن يكون النزول سابقاً على الحكم، كما قال: لا أقسم بهذا البلد (۱) وَأَنْتَ جَلُّ بِهَذَا الْبَلَدِ (۲) فالسورة مكية، و قد ظهر أثر الحل يوم فتح مكة.

۲. واحدی از مفسرانی است که به ندرت به فضایل اهل بیت علیهم السلام اشاره کرده است.

۳. عن أبي سعيد رَفَعَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنْ وُلْدِي اثْنَا عَشَرَ نَقِيبًا نُجَبَاءَ مُخَدَّثُونَ مُفَهَّمُونَ أَحْرَهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يَمْلَأُهَا عَذْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا. (كليني، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۳۴، ح ۱۸)

در صورتی که:

الف) نقیابی که او نام می برد، چگونه می توانستند هادی اُمت اسلام تا «یوم تقوم الساعة» باشند، حال آنکه تنها تا اواسط قرن دوم حکومت کردند.

ب) ابن کثیر به عنوان عالم و مفسر، لزوم اطاعت از اولی الامر (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۰۴) و وجود امام برای دفاع از مظلوم، اقامه حدود، منع از فواحش و انجام امور مهمی که اقامه آنها تنها به وسیله امام امکان پذیر است واجب می داند: «و ما لا یتِم الواجب إلا به فهو واجب». او مرد، آزاد، بالغ، عاقل، مسلمان، مجتهد، عادل، بصیر و سالم الاعضاء بودن و خبره جنگ و سیاست و قرشی بودن را برای امام، واجب دانسته است (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۲۹). اکثر اهل سنت، اجتهاد و عدالت را نیز برای امام شرط می دانند (ماوردی، بی تا، ص ۶ و ۱۸). با توجه به وظایف مورد انتظار از امام که در تعریف اهل سنت از امامت، مد نظر است؛ «أَنَّهُ نِبَاهَةٌ عَنِ صَاحِبِ الشَّرِيعَةِ فِي حِفْظِ الدِّينِ وَ سِيَاسَةِ الدُّنْيَا بِه تَسْمَى خِلَافَةُ وَ اِمَامَةٌ» (ابن خلدون، ۱۹۸۷، ص ۱۹۱)؛ آیا حاکمان اموی و عباسی، شرایط لازم برای حفظ دین و جانشینی رسول خدا ﷺ را دارا بودند؟!

عقل حکم می کند کسی که در شروط یادشده، افضل بر دیگران است، در این مأموریت پیشتاز باشد تا مسیر رسالت خاتم انبیا استمرار یابد. آیات قرآن نیز این مهم را تأیید می کنند. از جمله: «أَفَنُ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس: ۳۵) «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر: ۹) جمله «أَفَنُ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ» درباره فردی است که از هدایت افاضی و ذاتی برخوردار است و جمله «أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ» به کسی اشاره دارد که گمراه نیست؛ اما از هدایت ذاتی (عصمت) بی بهره است. (رتبانی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۳)

اشاعره قائل به عدم وجوب نصب افضل در صورت بروز فتنه شدند و در غیر این صورت، امامت افضل را واجب می دانند. (مظفر، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۲۳۶ و قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۷۱) جالب آن است که ابن تیمیه در بحث خلافت ابی بکر می گوید: «مردم او را بر دیگران مقدم داشتند؛ زیرا او افضل مردم بود» (ابن تیمیه، بی تا، ج ۴، ص ۳۶۵). او حتی متولی شدن مفضول با وجود افضل را ظلمی بزرگ می داند. (همان، ج ۳، ص ۲۷۷)

ج) ابن کثیر، خروج امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را انکار می کند، در حالی که طبق روایت جابر از پیامبر صلی الله علیه و آله: «من انکر خروج المهدی، فقد کفر بما انزل علی محمد». (جوینی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۳۳۴)

ابن کثیر با وجود شواهد ذکر شده، در بیان ماجرای انذار عشیره<sup>۱</sup>، کلام پیامبر صلی الله علیه و آله را تحریف می کند و به جای «ولیی»، «وصیی» و «خلیفتی»، «کذا» و «کذا» قرار داده و راوی آن را به سبب تشیّعش، دروغگو می خواند (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۱۵۳). او همچنین ماجرای غدیر خم<sup>۲</sup> را با اینکه در کتاب تاریخ خود مفصل به آن پرداخته است (همان، ۱۴۲۵، ص ۵۲۳) غیر قابل قبول می داند (همان، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۲۵) و این دلیلی آشکار برای پنهان کردن فضایل اهل بیت علیهم السلام است که از حقایق غیر قابل انکار در قرآن است.

### جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به مطالب بیان شده، ابن کثیر سعی بر این دارد تا چهره مفسری منطقی و آزاداندیش در زمینه حقایق قرآنی از خود به جا گذارد؛ ولی مانند استادش ابن تیمیه، در این طریق دچار دوگانگی می شود. او تنها به فضایی اذعان دارد که بر بعد روحانی و معنوی اهل بیت علیهم السلام اشاره دارند و گاه دیگران را به کمک توجیهاات بدون دلیل و سند، در این فضیلت ها سهیم می سازد؛ اما در بیان فضایل دال بر شائیت ایشان برای احراز مقام ولایت، برخلاف اکثر مفسران بزرگ، برخوردی مغرضانه و صرفاً متعصبانه دارد. وی از بیان ماجرای «لیلة المبيت» و «غدیر خم» با وجود پرداختن به آن در کتاب تاریخش (ابن کثیر، ۱۴۲۵، ص ۵۲۳ و ۹۳۲) غفلت ورزیده و با ردّ احادیث راویان شیعه به اتهام رافضی بودن و کذب، یا غریب و ناشناخته بودن، به سند آیات دال بر فضیلت اهل بیت علیهم السلام خدشه وارد می کند. متأسفانه ابن کثیر برخلاف تعهدش به عنوان یک عالم، مبنی بر دوری از هرگونه اجتهاد به رأی و کتمان حقایق، که از امتیازات تفسیر او به شمار می رود، بسیاری از فضایل اهل بیت علیهم السلام از جمله: «صالح المؤمنین»، «هادی» و «شاهد بودن» علی علیه السلام را انکار کرده و وقتی به بحث امامت دوازده جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله می رسد، به تحریف

۱. شعراء: ۲۱۴، از آیات دال بر امامت نزد امامیه

۲. ذیل آیه اکمال؛ مائده: ۳ آیات دال بر امامت نزد امامیه

حدیث پیامبر ﷺ، رضایت نداده و نزاهت و نزاکت را از دست می‌دهد. چرا که اگر افضل بودن اهل بیت ﷺ بر دیگران ثابت شود، عقل سلیم که همسو با فطرت است، حکم می‌کند که سرپرستی و ولایت اُمت به ایشان سپرده شود و خداوند حکیم، هرگز «مفضول» را بر «فاضل»، حاکم و رهبر نخواهد کرد. اگر مسئله خلافت، انتخابی هم باشد، عقلاء با وجود «افضل» به سراغ «فاضل» یا «مفضول» نمی‌روند.

## فهرست منابع

قرآن کریم (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی)

### الف. کتابها

۱. دشتی، محمد، ۱۳۷۹ش، نهج البلاغه، قم: نشر لقمان.
۲. ابو الفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
۳. آلوسی، محمود بن عبدالله، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت: منشورات محمد علی بیضون.
۴. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، ریاض: مکتبة نزار مصطفى الباز.
۵. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم، بی تا، *منهاج السنة النبوی فی نقض کلام الشیعه و القدریة*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶. ابن جزی، محمد بن احمد، ۱۴۱۶ق، *التسهیل لعلوم التنزیل*، بیروت: شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم.
۷. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲ق، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت: دار الکتب العربی.
۸. ابن حجر عسقلانی، علی بن محمد، بی تا، *فتح الباری*، بیروت: دار الفکر.
۹. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم، بی تا، *مقدمة فی اصول التفسیر*، بیروت: دار مکتبة الحیاة.
۱۰. ابن عبدالسلام، عبدالعزیز بن عبدالسلام، ۱۴۲۹ق، *تفسیر العز بن عب السلام*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۱. ابن عربی، محمد بن عبدالله، ۱۴۰۸ق، *احکام القرآن*، بیروت: دار الجیل.
۱۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۳. \_\_\_\_\_، ۱۴۲۵ق، *البدایه و النهایه*، اردن: بیت الافکار الدولیه.
۱۴. ابو حمزه ثمالی، ثابت بن دینار، ۱۴۲۰ق، *تفسیر القرآن الکریم*، بیروت: دار المفید.
۱۵. انصاری، محمد علی، ۱۳۸۲ش، *اهل بیت امامتهم و حیاتهم*، قم: نشر اهل البیت.
۱۶. باقلانی، محمد بن طیب، بی تا، *التمهید فی الرد علی الملحدۃ المعطلۃ و الرافضة و الخوارج و المعتزله*، بی جا: دار الفکر العربی.
۱۷. بشوی، محمد یعقوب، ۱۳۸۴ش، *حقوق اهل بیت در تفاسیر اهل سنت*، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۸. بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، *تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۰. ثعلبی، احمد بن محمد، ۱۴۲۲ق، *الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۱. پیشواپی، مهدی، ۱۳۹۱ش، *تاریخ اسلام از سقیفه تا کربلا*، قم: دفتر نشر معارف.
۲۲. جصاص، احمد بن علی، ۱۴۰۵ق، *احکام القرآن*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۳. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، ۱۴۱۱ق، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران: مؤسسه الطبوع و النشر.



٢٤. حسنى واعظ، محمود بن محمد، ١٣٨١ش، *دقائق التأويل وحقائق التنزيل*، تهران: مركز پژوهشى ميراث مكتوب.
٢٥. حبرى، حسين بن حكم، ١٤٠٨ق، *تفسير الحبرى*، بيروت: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
٢٦. حر عاملى، محمد بن حسن، ١٤٠٩ق، *وسائل الشيعة*، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
٢٧. حموى جوينى، ابراهيم بن محمد، ١٣٩٨ق، *فرائد السمطين*، بيروت: مؤسسه المحمودى.
٢٨. حوىزى، عبدعلى بن جمعه، ١٤١٥ق، *تفسير نور الثقلين*، قم: اسماعيليان.
٢٩. ذهبى، شمس الدين، بى تا، *التفسير والمفسرون*، عراق: دار الكتب الحديثه.
٣٠. راغب اصفهانى، حسين بن محمد، ١٤١٢ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بيروت: دار الشاميه.
٣١. ربانى گلپايگانى، على، ١٣٨٦ش، *امامت در بينش اسلامى*، قم: بوستان كتاب.
٣٢. رسعنى، عبدالرزاق بن رزق الله، ١٤٢٩ق، *رموز الكنوز فى تفسير الكتاب العزيز*، مکه مكرمه: مكتبة الأسدی.
٣٣. زمخشرى، محمود بن عمر، ١٤٠٧ق، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل وعيون الأقاويل فى وجوه التأويل*، بيروت: دار الكتاب العربى.
٣٤. سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر، ١٤٢١ق، *الإتقان فى علوم القرآن*، بيروت: دار الكتاب العربى.
٣٥. صنعانى، عبدالرزاق بن همام، ١٤١١ق، *تفسير القرآن العزيز المسمى تفسير عبدالرزاق*، بيروت: دار المعرفة.
٣٦. طباطبايى، محمد حسين، ١٣٩٠ق، *الميزان فى تفسير القرآن*، چاپ دوم، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
٣٧. طبرانى، سليمان بن احمد، ٢٠٠٨م، *التفسير الكبير: تفسير القرآن العظيم*، اردن: دار الكتاب الثقافى.
٣٨. طوسى، محمد بن حسن، بى تا، *التبيان فى تفسير القرآن*، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
٣٩. طبرسى، فضل بن حسن، ١٤١٢ق، *تفسير جوامع الجامع*، قم: مركز مديريت حوزه علميه.
٤٠. طوسى، نصير الدين محمد بن محمد، ١٣٩٩ق، *تجريد الاعتقاد*، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
٤١. طبرسى، فضل بن حسن، ١٣٧٢ش، *مجمع البيان فى تفسير القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
٤٢. طبرى، محمد بن جرير، ١٤١٢ق، *جامع البيان فى تفسير القرآن*، چاپ اول، بيروت: دار المعرفة.
٤٣. طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن، ١٤٠٧ق، *الخلاص*، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه.
٤٤. عاملى (محقق كركي)، على بن حسين، ١٤١٤ق، *جامع المقاصد فى شرح المقاصد*، قم: مؤسسة آل البيت.
٤٥. عياشى، محمد بن مسعود، ١٣٨٠ق، *التفسير (تفسير العياشى)*، تهران: مكتبة العلمية الاسلامية.
٤٦. فراهيدى، خليل بن احمد، ١٤٠٩ق، *كتاب العين*، قم: نشر هجرت.
٤٧. فيض كاشانى، محمد بن شاه مرتضى، ١٤١٥ق، *تفسير الصافى*، تهران: مكتبة الصدر.
٤٨. قرائتى، محسن، ١٣٨٨ش، *تفسير نور*، تهران: مركز فرهنگى درس هايبى از قرآن.
٤٩. قرطبى، محمد بن احمد، ١٣٦٤ش، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
٥٠. قمى، على بن ابراهيم، ١٣٦٣ش، *تفسير القمى*، قم: دار الكتاب.
٥١. كلينى، ابو جعفر محمد بن يعقوب، ١٤٠٧ق، *الكافى*، تهران: دار الكتب الإسلامية.
٥٢. كوفى، فرات بن ابراهيم، ١٤١٠ق، *تفسير فرات الكوفى*، تهران: مؤسسة الطب و النشر.

- ٥٣ . ماتريدي، محمد بن محمد، ١٤٢٦ق، *تأويلات أهل السنة (تفسير الماتريدي)*، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ٥٤ . ماوردي، علي بن محمد، بي تا، *النكت و العيون تفسير الماوردي*، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ٥٥ . مجلسي، محمد باقر بن محمد تقى، ١٤٠٣ق، *بحار الأنوار*، بيروت: دار احياء التراث العربى.
- ٥٦ . مظفر نجفى، محمد حسن، ١٤٢٢ق، *دلائل الصدق لنهج الحق*، قم: لإحياء التراث.
- ٥٧ . مظهرى، ثناء الله، ١٤١٢ق، *التفسير المظهرى*، كويته باستان: مكتبة رشديه.
- ٥٨ . معرفت، محمد هادى، ١٤١٨ق، *التفسير و المفسرون فى ثوبه القشيب*، مشهد مقدس: الجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية.
- ٥٩ . مقاتل بن سليمان، ١٤٢٣ق، *تفسير مقاتل بن سليمان*، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
- ٦٠ . ماوردي بغدادى، علي بن محمد، بي تا، *الاحكام السلطانيه والولايات الدينيه*، قم: دفتر تبليغات اسلامى حوزة علميه قم.
- ٦١ . مكارم شيرازى، ناصر، ١٣٧١ش، *تفسير نمونه*، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- ٦٢ . \_\_\_\_\_، ١٣٧٣ش، *ترجمه قرآن*، قم: دفتر مطالعات تاريخ و معارف اسلامى.
- ٦٣ . \_\_\_\_\_، ١٣٨٦ش، *پيام قرآن*، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- ٦٤ . نحاس، احمد بن محمد، ١٤٢١ق، *اعراب القرآن*، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ٦٥ . واحدى، علي بن احمد، ١٤١١ق، *اسباب نزول القرآن*، بيروت: دار الكتب العلمية.

#### ب) مقاله

- ٦٦ . هاشم زاده، محمد علي، ١٣٨٤ش، *كنابشناسى قرآن و اهل بيت عليه السلام*، نشریه فرهنگ كوثر، ش ٦٣.